

The Use of Narrations on the Cause of Descent in the Interpretation of Ruz Al-Jinnan and Ruh Al-Jinnan

Marziyeh Mohases 

Associate Professor, Faculty of Theology and Education, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Reyhaneh Khodamardi *

MA in Quranic Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

As one of the tools for understanding the themes of the Qur'an, the knowledge of Asbāb al-Nuzūl (Occasions or circumstances of revelation) has had an important impact on the development of writing commentary books. One of the important issues that seem necessary in the critical rereading of contemporary approaches to Asbāb al-Nuzūl is to outline how commentators care about the cultural heritage of the knowledge of interpretation. Commentary on "Rooz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan" by Abul Fattuh Razi is one of the Shia commentary books of the sixth century with a theological-ijtihad approach. The current descriptive-analytical research of Baroosh has dealt with the role of narrations that caused Asbāb al-Nuzūl and the extent of the influence of the cultural atmosphere of that period in understanding the verses of the Holy Quran. The findings of the research indicate that the special care and attention of Abul Fattouh Razi to the narrations is the cause of Asbāb al-Nuzūl in such a way that in his opinion, such narrations have a close connection with the culture of the age of revelation. In order to better understand the verses of the Holy Qur'an, he has relied on many narrations and used them to evaluate the content or text, this is to the extent that some narrations have considered the cause of revelation to be ineffective in understanding the verses, and he has adopted criteria for criticizing the narrations. The present article describes the functions and critical criteria of Abolfatuh Razi and the quantitative level of each of these applications.

Keywords: Shab al-Nuzul, Abul Fattuh Razi, Culture of the Age of Descendence, Holy Quran.

* Corresponding Author: m_mohases@sbu.ac.ir


How to Cite: Mohases, M., Khodamardi, R. (2023). The Use of Narrations on the Cause of Descent in the Interpretation of Ruz Al-Jinnan and Ruh Al-Jinnan, *Journal of Seraje Monir*, 14(46), 197-220.

کاربست روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان

دانشیار، دانشکده الهیات و معارف، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مرضیه محمص 

کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ریحانه خدامردی  *

چکیده

دانش اسباب‌النزول به‌مثابه یکی از ابزارهای فهم مضامین قرآن، تأثیر مهمی در سیر تطور نگارش کتب تفسیری داشته است. یکی از موضوعات مهمی که در بازخوانی انتقادی رویکردهای معاصر به اسباب‌النزول ضروری به نظر می‌رسد، ترسیم چگونگی اهتمام مفسران در میراث فرهنگی دانش تفسیر است. تفسیر «روض‌الجنان و روح الجنان» ابوالفتوح رازی یکی از کتب تفسیری شیعی قرن ششم با رویکرد کلامی-اجتهادی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به نقش روایات سبب نزول و میزان تأثیر فضای فرهنگی آن دوره در فهم آیات قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عنایت و اهتمام ویژه‌ی ابوالفتوح رازی به روایات سبب نزول به‌گونه‌ای است که در نظر او این‌گونه روایات پیوند وثیقی با فرهنگ عصر نزول دارد؛ به‌گونه‌ای که برای فهم بهتر آیات قرآن کریم به روایات بسیاری اعتماد کرده و از آن در ارزیابی محتوایی یا متنی مدد گرفته است، این تا جایی است که برخی روایات سبب نزول را نیز در فهم آیات ناکارآمد دانسته و معیارهایی را برای نقد روایات اتخاذ کرده است که نوشتار حاضر بیان کارکردها و معیارهای نقادانه ابوالفتوح رازی و میزان کمی هر یک از این کاربردها را تشریح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسباب‌النزول، ابوالفتوح رازی، فرهنگ عصر نزول، قرآن کریم.

بیان مسئله

دانش اسباب نزول به عنوان دانشی از دانش‌های قرآن، دربردارنده مجموعه معارفی است که مفسر برای تعیین داده‌های تاریخی نزول آیات از آن رهنمود می‌گیرد (الجمل، ۲۰۰۵: ۷۸-۸۳). تنوع دیدگاه‌های اندیشوران معاصر قرآنی درباره اثرگذاری توجه به قرائن تاریخی زمان نزول آیات، به مثابه ابزاری برای فهم مقصود آیات الهی یکی از موضوعات شایان توجه محسوب می‌شود؛ عده‌ای از محققان، غالب آیات قرآن را دارای سبب نزول می‌دانند؛ مانند نصر حامد ابوزید که به دانش اسباب النزول به عنوان یک اصل محوری در رابطه دیالکتیکی بین متن و واقعیت تاکید دارد (ابوزید، ۱۳۸۳: ۶۸؛ ابوزید، ۱۳۸۰: ۹۷-۱۱۵). محمد آرکون نیز به عنوان روش علمی در تفسیر قرآن کریم و تعیین شرایط تاریخی نزول وحی و وقوع رخدادها تاکید می‌کند (آرکون، ۱۹۸۷: ۵۱). حسن حنفی متفکر مصری نیز تمام آیات قرآن را نازل شده به علل و سبب‌هایی می‌داند (حنفی، ۱۹۹۰: ۱۳۵).

از منظری دیگر تعداد اندکی از آیات قرآن دارای سبب نزول هستند، لذا دانش اسباب النزول مربوط به تمام آیات قرآن نیست؛ بلکه تعداد محدودی از آیات را در برمی‌گیرد که در نهایت از ۱۴٪ فراتر نمی‌رود (الجمل، ۲۰۰۵: ۱۲۰-۱۲۲) لذا موشکافی و نگرش انتقادی در مواجهه با روایات سبب نزول، امری بسیار ضروری به شمار می‌آید (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱: ۴۶-۵۰) عده‌ای نیز بر این باورند که دانستن شرایط بیرونی مانند سبب نزول ما را در فهم غرض آیات محدود می‌کند و دست یافتن به مراد الهی را دشوار می‌سازد (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۵: ۳۲۱) و یا در یک نگاه مطلق‌گرایانه اساساً پیوستگی فهم آیات با سبب نزول‌ها کاملاً انکار می‌شود (الشحرور، ۱۹۹۰: ۹۳)

مطالعه سیر تطور کتب تفسیری متقدم گویای آن است که مفسران متقدم یکی از منابع فهم آیات قرآن کریم را آگاهی از روایات سبب نزول می‌دانستند و از آن برای فهم و تفسیر آیات قرآن کریم مدد می‌گرفتند. یکی از کتاب‌های تفسیری متقدم که از دانش اسباب النزول به مثابه دانشی بنیادین در فهم مضامین آیات قرآن کریم بهره برده، «کتاب روض الجنان و روح الجنان» ابوالفتح رازی است. وی استفاده از روایات را در فهم آیات

قرآن کریم راهگشا و در تبیین مراد الهی مؤثر و آن را شاخصه اصلی تفسیر آیات می‌داند. در پژوهش حاضر این کتاب مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است، این کتاب از معتبرترین منابع تفسیری در زبان فارسی بشمار می‌آید که علامه شعرانی تعلیقات و حواشی مهمی بر آن نگاشته است.

رویگرد ابوالفتوح رازی در کتاب خویش رویکردی کلامی-اجتهادی است، سبک نگارش آن از جهت فصاحت و بلاغت بر تمام تفاسیر فارسی شیعه رجحان دارد (رازی، ۱۳۵۲: ۱۹). در این کتاب پس از ذکر آیات، به تفسیر و ترجمه و نقل اقوال و آراء دیگر مفسران می‌پردازد و متناسب با ضرورت‌های تفسیری، به اشعار عربی و گاهی اشعار فارسی استناد می‌کند.

پیشینه پژوهش

درباره تفسیر روض الجنان و روح الجنان، پژوهش‌هایی به نگارش درآمده است: الف. پایان‌نامه‌ای با عنوان «روش شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر روح الجنان» به نگارش محمدمهدی حقی؛ از دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است که به معرفی یکی از آثار شیعه در قرن متقدم پرداخته و ویژگی‌های این تفسیر اعم از ادبی، تاریخی و کلامی در حد شناساندن آن به مخاطب معرفی کرده است.

ب. «بررسی تطبیقی روش‌شناسی تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر ملافتح الله کاشانی» به قلم یعقوب فتح‌اللهی؛ از دانشگاه علوم قرآنی قم به سال ۱۳۸۷ که در آن نویسنده دو موضوع نسخ و اسباب‌النزول را مورد بررسی تطبیقی در دو تفسیر یاد شده قرار گرفته است.

ج. «بررسی تطبیقی اسباب‌النزول در تفسیر ابوالفتوح رازی و طبری» توسط امین محمودی پور؛ از دانشگاه اصول‌الدین در سال ۱۳۹۰ منتشر شده که به جایگاه تفسیری و ارزیابی روایات سبب نزول در دو تفسیر به سبب گرایش متفاوت هر دو مفسر می‌پردازد.

لکن تاکنون پژوهش مستقلی که تصویر تمام‌نمایی از جایگاه روایات سبب نزول در تفسیر شیخ ابوالفتوح ارائه نماید، انجام نشده و بحث از میزان اثرپذیری ابوالفتوح رازی از روایات اسباب‌النزول به عنوان یک منبع تاریخی و به صورت کمی در روش تفسیری او و

فهم مضامین آیات مغفول مانده است.

مقاله حاضر در صدد آن است که به این سؤالات، پاسخ تفصیلی ارائه دهد:

- روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان چه جایگاهی دارند؟
- انواع کارکردهای روایات سبب نزول در تفسیر ابوالفتوح رازی کدام است؟
- رویکرد انتقادی ابوالفتوح رازی به روایات سبب نزول در چه موضوعاتی بسامد

بیشتری دارد؟

هدف پژوهش حاضر؛ شناخت جایگاه و میزان استفاده ابوالفتوح رازی از روایات اسباب النزول در فهم معنا و مفهوم آیات و همچنین چگونگی رویکرد انتقادی شیخ ابوالفتوح رازی به این روایات در تفسیر آیات قرآنی است؛ به عبارت دیگر؛ در نوشتار پیش رو تنها به ذکر شواهد و مثال‌های محدود بسنده نشده است و دقت مطالعه تا بدان جاست که احصاء دقیقی از تمامی موارد در هر بخش انجام شده است.

۱. روایات سبب نزول و اهمیت آن در فهم آیات

به اعتقاد برخی از دانشمندان علوم قرآنی شناخت اسباب النزول به عنوان آگاهی از شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر نزول در فهم آیات قرآنی الزامی است (واحدی، ۱۴۲۱: ۱۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۲۳) در مقابل برخی به طور کلی روایات اسباب نزول را رد می‌کنند و معتقداند، دانستن سبب نزول فهم ما را در تفسیر آیات محدود و دست یافتن به مراد الهی را سخت می‌کند (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۵: ۳۲۱)؛ علامه طباطبائی نیز بر این باور است، دانستن اسباب نزول تا اندازه‌ای مخاطبان را از مورد نزول و مضمون خاص آیه مطلع می‌سازد؛ حال آنکه روایات موجود اسباب نزول فاقد اعتبار کافی است و از راه مشاهده و ضبط به دست نیامده است (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۱۷۲-۱۷۴). در این میان مفسرانی مانند آیت‌الله معرفت، با نگاهی میانه به اسباب النزول، معتقدند: اسباب النزول ارزش علمی و عملی والایی دارد و علم اسباب النزول نه به عنوان تنها راه فهم آیات قرآن کریم، بلکه به عنوان مسیر فهم بهتر آیه و رفع ابهام آیه به شمار می‌آید (معرفت، ۱۳۸۲: ۶۳). در این عرصه، می‌توان از ابوالفتوح رازی به عنوان مفسری که از روایات سبب نزول به عنوان

مقدمه‌ای الزامی برای آگاهی از مراد الهی بهره می‌برد، نام برد.

۲. روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان

ابوالفتوح رازی از علم اسباب‌النزول به عنوان علم پیش نیاز تفسیر یاد می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۱۳) از نظروی پیوند وثیقی بین تفسیر و سبب نزول برقرار است. وی می‌نویسد: «تفسیر، علم سبب‌نزول آیه باشد و علم به مراد خدای از آن لفظ» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۱۴). ایشان تاکید می‌کند که قصد دارد در نقل سبب نزول آیات، نه اطنابی که موجب خستگی شود، داشته باشد و نه به میزانی اختصارگویی شود که غرض اصلی به مخاطب انتقال نیابد (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۲). در نظر ایشان اصطلاح شان‌نزول و سبب‌نزول یکسان است (ر.ک: آل عمران: ۳۲، ۷۷، ۸۶؛ مائده: ۵۴، ۶۷؛ یس: ۸؛ توبه: ۱۹ و...)

شیخ در ارزیابی روایات سبب نزول گاهی به بررسی متنی و اندک به بررسی سندی روایات می‌پردازد. در مواردی نقل به معنا می‌کند و سلسله سند روایات ذکر نمی‌شود (همزه: ۱-۹). گاهی روایت را منقطع و مرسل می‌داند (اعراف: ۱۸۹) و از ذکر سند و راوی آن خودداری می‌کند (ممتحنه: ۱) و یا گاهی تنها به ذکر راوی اصلی بسنده کرده (مجادله: ۱۲) و در اندک روایاتی به ضعف و مجهول بودن راوی می‌پردازد (شوری: ۲۳).

ابوالفتوح رازی برای بیان سبب نزول و شان نزول از تعابیر ذیل استفاده کرده‌اند: گفتند (توبه: ۱۲۷)، مفسران گفتند (بقره: ۱۰۴، توبه: ۱۲۸، عصر: ۱)، بعضی گفتند (بقره: ۳۹، مائده: ۹۳، تکوین: ۲)، بعضی مفسران گفتند (توبه: ۱۱۳)، جمعی یا جماعتی از مفسران گفتند (بقره: ۲۱۹، نساء: ۴، بقره: ۹۹)، بیشتر مفسران گفتند (بقره: ۲۳۲)، مفسران در سبب نزول آیه خلاف کردند (مائده: ۱۰۱، نساء: ۱۱، عصر: ۱)، مفسران خلاف کردند (بقره: ۲۰۷)، مفسران در او خلاف کردند (عادیات: ۱-۱۱، بقره: ۸۷)، علما در آن خلاف کردند (جمعه: ۱-۱۱)، مخالفان ما آورده‌اند که سبب نزول (احزاب: ۳۷)، وجهی است در سبب نزول (بقره: ۱۶۴)، بیشتر مفسران بر آنند که آیت در شأن آن است (بقره: ۱۸۸-۱۸۹-۲۱۲)، اهل تفسیر گفتند سبب نزول (بقره: ۱۰۲)، آیه اقتضا می‌کند بر این سببی فرود آمده است (مائده: ۵۴)، اهل سیر گفتند (توبه: ۱۹)، اهل تأویل گفتند (بقره: ۱۷۷)، بعضی دیگر از اهل علم گفتند

کاربست روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان؛ محمص و خدامردی | ۲۰۳

(محمد: ۱۹). گویا غرض مفسر برای استفاده از روایات اسباب النزول اعتماد کردن وی به طرق مختلف از تعابیر متنوع و اسباب متعدد برای آیات است.

۳. کارکردهای سبب نزول در تفسیر ابوالفتوح رازی

ابوالفتوح رازی، روایات سبب نزول را در فهم معانی آیات الهی الزامی می‌داند. در بررسی صورت گرفته در حدود ۴۴۴ مورد آیه و سوره‌های مختلف قرآن کریم حدود ۲۶۲ مورد سبب نزول و ۳۷۵ مورد آن در شأن و یا حق فرد یا افرادی به نقل روایات می‌پردازد و از این تعداد حدود ۹۵ مورد به کاربرد اسباب النزول در تفسیر ابوالفتوح رازی صورت گرفته است. در ادامه به کارکردهای متعدد اسباب النزول در تفسیر ابوالفتوح رازی پرداخته می‌شود.

۳-۱. تبیین رخداد‌های تاریخی

رازی از روایات سبب نزول در تبیین وقایع تاریخی و جزئیات آن بهره می‌گیرد تا فهم بهتری از مراد الهی در شکل گیرد، به‌عنوان مثال وی با استفاده از روایات سبب نزول برخی رخداد‌های دوران جاهلیت را به تصویر می‌کشد. درخواست امور خارق‌العاده‌ای همچون شکافتن زمین و جوشش آب فراوان (رعد: ۳۱)، تبدیل کردن کوه صفا به انبوهی از طلا (اسراء: ۵۹)، نازل کردن کتابی خاص به شخصی که مردم تعیین کنند (مدثر: ۵۲)، زنده شدن مردگان و صحبت کردن آن‌ها با مردم (انعام: ۱۱۱) و...

از نظر شیخ می‌توان با آگاهی از سبب نزول به شناخت نام فردی یا افرادی که آیه درباره آنان نازل شده است، دست یافت، مانند آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَا أَيُّهَا الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۸) که در سبب نزول به نام افراد منافق اشاره می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۷۵) و یا آیات ۱ الی ۵ سوره مسد که سبب نزول اشاره به ابولهب و همسر اوست (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۲: ۲۰۴). همچنین زمان نزول آیه (مائده: ۳) را در روز غدیر خم بیان می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۶: ۱۰۵).

ابوالفتوح به نقل اقوال مختلف مربوط به سبب نزول آیات نیز می‌پردازد و حتی در

نقد اقوال مختلف ادله‌ای ارائه می‌دهد، به‌عنوان مثال در نقد یکی از اقوال می‌نویسد: «قول ضحاک سخیف و ضعیف و نامرضی است» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۰: ۵۳-۵۶).

۲-۳. تعیین ناسخ و منسوخ

ابوالفتوح رازی در ابتدای هر سوره بعد از مشخص کردن مکی و مدنی بودن سوره، به وجود آیات ناسخ و منسوخ نیز اشاره می‌کند؛ مثلاً در رابطه با سوره مؤمنون (رازی، ۱۳۵۲، ج ۸: ۱۲۱) و رعد می‌نویسد: «در او ناسخ و منسوخ نیست» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۹: ۴۵۳) یا درباره سوره اعراف اشاره می‌کند که همه آیات آن محکم است و دربردارنده هیچ آیه منسوخ نیست (رازی، ۱۳۵۲، ج ۵: ۱۱۲؛ نیز ر.ک: ج ۹: ۱۸۶، ج ۸: ۳۷۳ و ج ۸: ۲۰). از جمله آیاتی که درباره آن ادعای نسخ شده آیه صدقه پیش از گفتگو با پیامبر (ص) است (مجادله: ۱۲). شیخ مانند تمام علمای شیعی، حکم آیه را منسوخ اعلام می‌کند و دلیل سخن خود را این روایت می‌داند: «از طریق مخالفان و موافقان روایت کردند که حضرت امیر (ع) گفت: آیتی است از کتاب خدای تعالی که فرود آمد و منسوخ شد و کسی بر او عمل نکرد جز من تا به روز قیامت»، سپس آیه بعد را به‌عنوان ناسخ آیه معرفی می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۱: ۷۹-۸۰).

۳-۳. تعیین لحن کلام

منظور از «مقام کلام» جایگاه و موقعیت کلام در دلالت بر مقصود است که برحسب معنایی که گوینده تفهیم آن را به‌وسیله آن کلام قصد کرده، تفاوت می‌کند. اگر گوینده مقصودش از کلامی که بیان می‌کند مدح و تمجید شخصی باشد، مقام آن کلام مدح است و اگر مقصودش تحقیر و مذمت کسی باشد، مقام آن نکوهش است و اگر مقصودش اثبات مطلب و اقامه دلیل بر آن باشد، مقام آن اقامه برهان و اگر مقصود او اقناع مخاطب با مطالب موردقبول وی باشد، مقام آن جدل است. منظور از «لحن کلام» چگونگی دلالت کلام بر معنا و مقصود گوینده آن است که از نوع کلمات به‌کاررفته در کلام و کیفیت ترکیب آن‌ها فهمیده می‌شود و یا معنایی است که گوینده از کلام خود قصد می‌کند ولی

کاربست روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان؛ محمص و خدامردی | ۲۰۵

الفاظ و ساختار کلام خود را به گونه‌ای قرار می‌دهد که بدون صراحت، با کنایه و تعریض مقصودش را بفهماند (بابایی، ۱۳۸۱: ۲۵۶-۲۵۷). در تفسیر ابوالفتوح رازی، آگاهی مقام سخن و لحن کلام برخی آیات روشن است، مثلاً ولایت علی بن ابی طالب (ع) در آیات (ر.ک: توبه: ۱۹، مائده: ۵۵، مائده: ۶۷، اعراف: ۴۳) با استمداد از روایات سبب نزول مشخص می‌شود (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۲۷۴). همین‌طور شیخ در آیه (بقره: ۲۰۷) آیه را در شان علی (ع) در غار می‌داند و اقوال دیگر را رها می‌کند و از این‌شان نزول دفاع می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۵۰).

ایشان در آیه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ...» (احزاب: ۶) از قول اصحاب، نقل می‌کند «کسی به رسول (ص) نزدیک‌تر و اولی‌تر از علی (ع) نیست» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۹: ۱۱۰). در تفسیر او ذکر فراوان مناقب اهل بیت (ع) به‌ویژه علی بن ابی طالب (ع) دیده می‌شود، به طوری که اکثر آیاتی که به نحوی سبب نزول آن در رابطه با اهل بیت (ع) باشد، به دفاع از مبانی شیعه پرداخته است (نیز ر.ک: رازی، ۱۳۵۲، ج ۹: ۱۱۰-۱۱۱، ج ۲: ۶۲).

۳-۴. استنباط حکم فقهی

تعداد آیات الاحکام در قرآن کریم مورد اختلاف محققان علوم قرآنی است: سیوطی در الاتقان تعداد آیات احکام در قرآن کریم را ۱۵۰ تا ۵۰۰ آیه می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۶۸). برخی این تعداد را تقریباً ۲۰۰۰ آیه می‌شمارند (آیت الله معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۲۸). به اعتقاد برخی مفسران استفاده از روایات اسباب‌النزول در فهم و دلالت آیات الاحکام کمک شایانی دارد و راهگشای خوبی برای مفسر است تا آیه به گونه‌ای تفسیر شود که با مورد خود هماهنگ و سازگار باشد (آیت الله جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

ابوالفتوح نیز مانند دیگر مفسران استفاده از روایات سبب نزول را در روشن شدن حکم آیات مؤثر تلقی می‌کند و در خلال تفسیر خود گاهی به بیان احکام فقهی ذیل روایات سبب نزول می‌پردازد. به‌طور مثال در جریان تغییر قبله ذیل سبب نزول آیه (بقره: ۱۴۳) با توجه به قول قتاده و عکرمة و ربیع حکم کسانی که ما قبل نزول آیه به بیت‌المقدس نماز می‌خواندند را صحیح اعلام می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۳۵۷). همچنین

در آیه (مائده: ۹۳) با آگاهی از سبب نزول، حکم کشته شدن کسانی که قبل از نزول آیه حرمت شرب خمر، اقدام به نوشیدن آن کردند را چنین اعلام می‌کند که حرجی بر آنان نیست (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۳۲۶).

ابوالفتوح رازی در آیه (مائده: ۸۹) از قول ابن زید که آیه را در شان عبدالله رواحه می‌داند، در حکمی کلی بیان می‌کند که اگر آیه یا آیتی درباره شخص یا فرد خاصی در حادثه‌ای آمد چون در آن حکمی شرعی باشد دیگران در آن حکم مشارک‌اند با او در مثل آن حادثه‌ای (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۳۱۴). نیز در آیه «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف: ۲۰۴) با توجه به روایات سبب نزول، حکم «استماع» و «انصات» در نماز را بیان می‌کند: «بیشتر اهل علم بر آنند که آیه استماع و انصات در نماز را فرموده برای آنکه اوامر قرآن بر وجوب باشد و اتفاق است که استماع قرآن جز در نماز واجب نیست» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۵: ۳۶۱).

۳-۵. آشکارسازی مفهوم آیات

استفاده از روایات سبب نزول در جهت فهم معنای آیات و نیز تعبیر نهفته روشی است که از دیرباز مورد استفاده مفسران قرار گرفته است، ابوالفتوح در تفسیر خود هم‌راستا با دیگر مفسران از روایات سبب نزول برای تبیین معنای آیات قرآن کریم بهره برده است. به عنوان مثال؛ در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا» (بقره: ۱۰۴) با توجه به سبب نزول به بدگویی مسلمانان با توجه به معنای دشنامی که از واژه «راعنا» در آیه است آن را برگرفته از یهودیان می‌داند «مفسران گفتند، سبب نزول آن بود... این لفظ در لغت جهودان، دشنام بود، چنان که حق تعالی دگرجا گفت: جهودان چون این بشنیدند غنیمت شمردند و گفتند: ما محمد را در سر دشنام می‌دادیم، اکنون بهانه‌ای به دست آوردیم که او را آشکارا دشنام دهیم، بیامدندی و گفتندی: راعنا یا محمد راعنا و می‌خندیدندی و استهزاء می‌کردندی و رسول از آن غافل بود. سعد معاذ این بشنید و او این لفظ بشناخت و غرض ایشان در آن گفتن بدانست. ایشان را گفت: به آن خدای که محمد را بحق به خلقان فرستاد که اگر کسی دیگر این معنی بر زبان آرد جز به تیغ با او خطاب

کاربست روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان؛ محمص و خدامردی | ۲۰۷

نکنم. ایشان گفتند: نه صحابه و قوم او می گویند؟ گفت: ایشان خیر می خواهند و شما سب و دشنام. حق تعالی این آیت فرستاد و گفت: چون جهودان به این کلمه توریت می کنند و به گفتن شما تعلل می کنند، شما نیز «راعنا» مگویید و به بدل این کلمه بگویید که: انظرنا» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۲۸۰).

در معنای شهادت ذیل آیه «وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ» (بقره: ۲۸۲) به چند قول درباره ادا شهادت که آیا واجب است بر فرد یا او مخیر است اشاره دارد و درنهایت قول حسن بصری و سدی را ترجیح می دهد و معنای شهادت را در هر دو معنی می پذیرد «آیه وارد است بر هر دو معنی در تحمل و ادا و از این مانعی نیست و این در فایده عام تر است» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۴۱۶).

در معنای «ناس» در آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ» (نساء: ۵۴) پس از بیان سبب نزول درنهایت برای فهم مراد الهی از روایت امام باقر (ع) استفاده کرده: «در تفسیر باقر (ع) آمد که مراد به ناس محمد (ص) است و آل محمد (ص) و مراد به حاسدان آنانند که رسول (ص) را بر نبوت حسد کردند و آل او را بر امامت» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۳: ۴۱۱).

جدول ۱. کارکردهای اسباب النزول در تفسیر ابوالفتوح رازی

کارکرد سبب نزول	تعیین رخدادهای تاریخی	تعیین ناسخ و منسوخ	استنباط حکم فقهی	آشکارسازی مفهوم آیات	تعیین لحن کلام	جمع
تعداد	۶۶	۱	۱۱	۵	۱۲	۹۵
درصد	٪۶۹/۴۷	٪۱/۰۵	٪۱۱/۵۷	٪۵/۲۶	٪۱۲/۶۳	٪۱۰۰

۴. ملاکهای نقد روایات سبب نزول از دیدگاه ابوالفتوح رازی

ابوالفتوح رازی رویکردی انتقادی در مواجهه با روایات اسباب النزول اتخاذ کرده است به طوری که بعد از نقل روایت در تفسیر آیات، به تحلیل نقادانه و درنهایت به رد برخی از روایات سبب نزول می پردازد.

هرچند شیخ در مواردی، بعد از ذکر اقوال مختلف بدون اظهارنظر و نقد خاصی به

بیان و ذکر روایات بسنده کرده است (تحریم: ۱) و در برخی موارد ضمن ذکر روایات سبب نزول متعدد، به جمع میان روایات حکم می‌دهد (بقره: ۱۸۱) (رازی، ۱۳۵۲: ج ۲: ۴۴۲) لکن طبق بررسی‌های به عمل آمده حدود ۶۹ روایت سبب نزول را با قرائن لفظی و غیرلفظی به دید انتقاد نگریسته است. بر این اساس معیارهای شناخت سبب نزول در تفسیر ابوالفتوح رازی و استفاده از ابزارهایی همچون قرینه‌های متصل و منفصل از قبیل عقل و عرف در نظر او مغفول نمانده است. اینک به دسته‌بندی تفصیلی این ملاک‌ها پرداخته می‌شود:

۴-۱. ترجیح عمومیت آیات

موضوع عموم لفظ یا خصوص سبب از جمله مباحثی است که فقها و دانشمندان علوم قرآنی از آن با عنوان قاعده «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» یاد می‌کنند و از آن در استنباط احکام استفاده می‌کنند. آیت‌الله معرفت در این باره می‌فرماید: «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» (اعتبار به گستردگی لفظ است، نه خصوصیت مورد)؛ یعنی یک فقیه دانا و توانا باید خصوصیات مورد را کنار بگذارد و از جنبه‌های عمومی لفظ بهره بگیرد. البته جنبه‌های خصوصی برای فهم دلالت کلام مفید است، ولی انحصار را نمی‌رساند؛ زیرا احکام الهی پیوسته همگانی بوده‌اند و در همه زمان‌ها جریان دارند (معرفت، ۱۳۸۲: ۶۷). در تفسیر اجتهادی نیز مفهوم نص قرآنی در قالب یک تفسیر کلی، مربوط به زمان نزول نیست و قابل انطباق بر زمان‌ها و شرایط مختلف می‌باشد و به قول معروف «العبره بعموم اللفظ، لا بخصوص المورد»؛ شأن نزول نمی‌تواند مفهوم آیه‌ای را تخصیص بزند. اگرچه آیه در یک مورد خاص نازل شده است؛ اما می‌توان به مصادیق دیگر که با آیه مطابق باشند سرایت داد؛ زیرا عموم لفظ معتبر است، نه خصوص مورد مگر این که خود شأن نزول انحصار را بیان کند؛ مانند آیه تطهیر که منحصر در اصحاب کسا می‌باشد (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۲۹۵-۲۰۵). علامه طباطبائی نیز از این قاعده با اصطلاح جری یاد می‌کند و مورد آیه را در آن واقعه و زمان نمی‌بیند و تخصیص نمی‌زند (طباطبائی، ۱۳۹۴، ۷۰-۷۱).

ابوالفتوح رازی از جمله مفسرانی است که با وجود سبب نزول آیات، عمومیت نص را نمی‌پذیرد و آن را در آیه نسبت به خصوص سبب با وجود دلیل، معتبر می‌داند. آیات (بقره: ۸۴، ۹۹، ۱۵۹، ۱۶۸ / آل عمران: ۲۷ / نساء: ۱۰، ۵۹، ۶۹، ۱۲۸ / نور: ۴، ۲۳ / سجده: ۱۸، زمر: ۵۳ / شوری: ۴۹ / حجرات: ۱ / فجر: ۳۰ / همزه: ۱)، از این قرار است که با عبارت «حمل آیت بر عموم کردن اولی‌تر است»، مفاهیم آیه را با وجود دلیل به تمام موارد مشابه عمومیت می‌دهد (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۰: ۲۳۹)، البته ایشان در اندک مواردی هم اجازه تعمیم عبارت آیه به تمامی مصادیق نمی‌دهد؛ به عنوان مثال آیه (إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَيَّ الْاُدْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ) (یس: ۸) را به‌طور خاص درباره ابوجهل می‌داند «آیت خاص است و نباید تأویل داده شود به همه» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۹: ۲۶۴). شیخ در مواجهه با تعدد آراء و نظرات تفسیری نیز به پذیرش نظراتی که ناظر به عمومیت مصداق آیه هستند، تمایل نشان می‌دهد (ر.ک: رازی، ۱۳۵۲، ج ۵: ۵۰، ج ۱۰: ۲۳۹، ج ۱۲: ۱۴۷). ایشان همچنین اقوال مفسران معروف مانند ابن عباس و قتاده و سدی و مجاهد و دیگران را نقل کرده و هیچ‌یک را غالباً ترجیح نداده است؛ مگر آنکه آیات یکی عام‌تر باشد.

همخوانی با ظاهر آیات

یکی از مهم‌ترین راه‌های معتبر فهم متن و تفسیر آن به نقل از امام خمینی (قدس سره) ظواهر آیات و حجت بودن آن است (ر.ک: علوی مهر، ۱۳۸۱: ۲۹۸). علامه طباطبائی نیز حجیت ظواهر آیات را اصل می‌داند، مگر اینکه در کلام قرینه‌ای یا دلیلی باشد که دلالت کند بر اینکه معنای ظاهری آیه مراد نیست (طباطبائی، ۱۳۹۴، ج ۱۱: ۸۹). لذا ظاهر آیات را می‌توان از مواردی دانست که در تحلیل و نقد روایات استفاده می‌شود، ظاهر در لغت به آشکار و غلبه بر چیزی معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۲۶) و در اصطلاح، لفظی است که دلالت ظنی راجحی بر معنایی داشته باشد و احتمال غیر آن نیز داده شود (مامقانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۱۶).

صاحب روض الجنان از این ملاک نیز برای نقد روایات سبب نزول بهره برده است: مثلاً ذیل آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

(احزاب: ۳۳) دودیدگاه را بیان می‌کند؛ اول دیدگاهی که معتقد است، آیه در شأن زنان رسول (ص) نازل شده و دیگری آنکه نزول آیه را در شأن اهل بیت (ع) می‌داند و در نهایت دیدگاه اول را با استناد به ظاهر آیه رد می‌کند و می‌نویسد: «آیت در حق زنان رسول است و ظاهر آن مانع است، از این قول «عنکم» و «یطهرکم» و این خطاب مردان را باشد نه خطاب با زنان» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۹: ۱۵۳) (نیز ر.ک: ج ۲: ۲۳۵؛ ج ۳: ۱۸۲).

۴-۲. همخوانی با قرینه‌های لفظی

منظور از قرائن در این بحث مجموع اموری است که به گونه‌ای با آیات قرآن کریم ارتباط دارد و در تعیین و تبیین معنا و مقصود آیات مؤثر است. برخی از آن امور مانند سیاق و فضای نزول که همراه و پیوسته با نزول آیات بوده‌اند، قرائن متصل نامیده می‌شوند و برخی از آن‌ها مانند آیه‌های دیگر قرآن، روایت‌ها و برهان‌های قطعی نظری که پیوسته و همراه با آیات نمی‌باشند، قرائن منفصل نامیده می‌شوند و وجه قرینه بودن این امور از آن‌رو است که همراه با لفظ آیات بر مراد خدای متعال دلالت دارند. توجه به قرائن متصل و منفصل کلام برای فهم معنا و مقصود گوینده آن روشی عقلایی در همه فرهنگ‌ها است و مفسران گذشته و حال نیز در تفسیر آیات، کم یا زیاد، به قرائن توجه داشته و معنا و مقصود آیات را با در نظر گرفتن قرائن بیان کرده و می‌کنند. توجه به قرائن، افزون بر این که یکی از اصول عقلایی محاوره بوده و رعایت آن بر مفسر لازم است، وجود الفاظ مشترک، مجاز، کنایه، ایجاز و اضممار در قرآن کریم نیز مفسر را ناگزیر می‌کند که برای تعیین و تبیین مفاد و مقصود آیات به قرائن توجه کند؛ زیرا به دست آوردن مقصود گوینده در چنین مواردی جز از طریق قرائن ممکن نیست (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۴۳).

لذا با مطالعه و بررسی صورت گرفته در تفسیر «روض الجنان و روح الجنان» روشن می‌شود که بسیاری از روایات سبب نزول ارتباط یک آیه با آیات قبل و بعد آن و یا آیات دیگر در تمام فضای قرآن کریم را مشخص می‌کند و این مهم مورد توجه ابوالفتوح قرار گرفته است (ر.ک: رازی، ۱۳۵۲، ج ۸: ۴۷۰؛ ج ۱: ۱۱۲) در این تفسیر شواهد فراوان برای استناد ابوالفتوح به قرائن مختلف مشخص است؛ آنچه در اینجا بیان آن لازم و

کاربست روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان؛ محمص و خدامردی | ۲۱۱

ضروری است؛ میزان استفاده رازی از سیاق و بافت آیات، همچنین نقد آن توسط وی در تفسیر خویش است.

ابوالفتوح در تفسیر آیه (مائده:۳)، با توجه به سبب نزول‌های متعدد، سبب نزولی را می‌پذیرد که با قرینه‌های موجود همخوانی بیشتری دارد و آن قول صادق (ع) است، وی می‌نویسد: «چون قول‌های دیگر را تأمل کنی بدانی که به نظم و سیاق آیت این قول لایق-تر است» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۱۰۵).

گاهی هم شیخ بدون ذکر قرینه‌ها، به صحت یک روایت سبب نزول اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال در آیه (نساء:۱۲۳) دو دیدگاه تفسیری را منتقل می‌کند و دیدگاهی که خطاب آیه به مشرکان فرض شده را رد می‌کند و دیدگاهی که خطاب آیه را به مسلمانان می‌داند، برمی‌گزیند و چنین استدلال می‌نماید: «این قول اولی‌تر است، برای آنکه مورد آیت مورد تهدید و وعید و ملامت است» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۲۱).

۳-۴. همخوانی با قرینه‌های عقلی

یکی دیگر از ویژگی‌های روش عقلا در محاورات این است که معلومات عقلی، بدیهیات و براهین قطعی آشکار را از قرینه‌های مهم می‌دانند و معنای کلام و مقصود گوینده را با توجه به آن به دست می‌آورند (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). در تفسیر ابوالفتوح رازی شاخصه توجه به قرینه‌های عقلی به نحو پرشماری دیده می‌شود. وی گاهی با استناد به عقل، دیگر تفاسیر را به چالش می‌کشد و دیدگاه مخالف را نادرست می‌خواند (ر.ک: رازی، ۱۳۵۲، ج ۷: ۱۵۲؛ ج ۸: ۶: ۱۲۶).

در آیه «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده:۲۶) دو دیدگاه در سبب نزول آیه ذکر شده است: دیدگاه اول آیه را مربوط به فسق ابولهب و دیدگاه دوم، آیه را در مورد فسق ابوطالب می‌داند و سپس ابوالفتوح به تناقض‌گویی موجود در دیدگاه دوم تصریح می‌کند (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۴۰۷).

ابوالفتوح در تفسیر آیه (عَبَسَ وَتَوَلَّى) (عبس:۱) بعد از نقل روایات سبب نزول متعدد،

سبب نزولی که نشان از خشمگین و عصبانی بودن رسول دارد را با قرینه‌های عقلی ناهمخوان می‌داند و بیان می‌کند و می‌نویسد: «محققان گفته‌اند مراد آیه رسول (ص) نیست؛ برای آنکه این سبب نزول دارای صفات مذمومه است، در صورتی که خدای متعال رسول (ص) را از این صفات تنزیه کرده است. اخبار متواتر است که عادت رسول با دشمنان و کافران برخلاف سبب نزول مطرح شده است» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۱: ۳۹۴).

۴-۴. توجه به اجماع علماء

اجماع یکی از ادله پرکاربرد است که در مسائل فقهی مطرح شده است و ارزش و اعتبار آن روشن است (گوهری و دیگران، ۱۳۹۹). ولیکن در مورد اجماع در خود فقه هم اختلاف نظر است، اجماع بر دو قسم است: اجماع منقول^۱ که معمولاً آن را چندین معتبر نمی‌دانند و اجماع محصل^۲ که آن را معتبر می‌دانند که البته امکان اجماع محصل، مشکل است، زیرا در زمان ما این که کسی بتواند تمام اقوال علما را در یک موضوع جمع‌آوری کند هر چند محال نیست، ولی خیلی مشکل است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ الف: ۹۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱ ب: ۳۶).

در دیدگاه تفسیری ابوالفتوح رازی، می‌توان از اجماع علماء برای تفسیر آیات بدان استناد جست؛ به‌عنوان مثال در تفسیر آیه (نحل ۱۰۶) پس از بیان دیدگاه‌های متعدد، با توجه به اجماع علماء حکم می‌دهد «اما حکم آیت اجماع علماست» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۷: ۱۵۱). ایشان در مواردی حتی اجماع علماء را مقدم بر ظاهر آیه می‌دانند (ر.ک: رازی، ۱۳۵۲، ج ۳: ۳۰۷) و در مواردی با رویکردی انتقادی، به جماعتی که اجماع را دلیل بر صحت قول خود گرفته‌اند تذکر می‌دهد و در تفسیر آیه (وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا)^۳ (نساء: ۱۱۵) می‌نویسد: «جماعتی متکلمان در اصول فقه و فقهاء به این آیت استدلال کردند بر صحت

۱. اجماع را کسی از دیگری نقل کند، که در این صورت حجّت نخواهد بود.

۲. اجماعی است که خود شخص تمام اقوال علما را بررسی کند و به دست آورد.

اجماع و آنکه اجماع حجت است به آنکه گفتند. و این درست نیست از چند وجه، یکی آنکه آیه بر قول جمله مفسران در حق گروهی مخصوص معین آمده است از آن تجاوز کردن بی دلیل معنا ندارد و اگر متناول باشد جز ایشان را باید تا در آن حکم باشد که در حق ایشان بود از عبادت اصنام که مراد در آیت در باب ایشان «وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» عبادت اصنام است و در اینجا دلیلی نباشد بر صحت اجماع...» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۱۲). با توجه به آنچه بررسی شد، ابوالفتوح در رابطه با ادله اجماع، راه احتیاط در پیش گرفته است، لذا بیان او در موارد فوق نشان از اشاره سبب نزول به توصیف و تبیین حکم آیات با ادله اجماع است و در برخی موارد منتقد حجیت اجماع است.

۴-۵. همسویی با مبانی فکری شیعی

ابوالفتوح رازی در بعضی آیات که دارای سبب نزول متعدد هستند، با عباراتی، اشاره به سبب نزول صحیح با توجه به مبانی فکری شیعی داشته است. به عنوان مثال در آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۵۸) بعد از بیان سبب نزول‌های متعدد، حکم آیه را با توجه به مذهب شیعه صحیح تلقی می‌کند «مذهب اهل البیت (ع) چنان است که سعی میان صفا و مروه رکنی از ارکان حج است» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱: ۳۹۲؛ نیز ر.ک: ج ۹: ۱۵۸؛ ج ۳: ۴۱۸).

ابوالفتوح در خصوص شأن امیر مؤمنان علی (ع) نیز سبب نزول‌هایی که مخالف مذهب تشیع است را رد می‌کند و به ذکر مناقب و فضائل خاندان ایشان می‌پردازد، مانند آیه (مائده: ۸۷) که سبب نزول‌های نقل شده را به‌دوراز شأن ایشان می‌داند «مفسران گفتند سبب نزول آیه آن بود که چون رسول به اصحاب و صف قیامت بکرد و احوال او و دوزخ و عقاب او و شدت او بر گنه کاران جماعتی از اصحاب پیامدند و در سرای عثمان ابن مظعون بنشستند و گفتند ایشان ده کس بودند علی بن ابی طالب، ابوبکر، عبدالله مسعود، عبدالله عمر، ابوذر غفاری، سالم مولای حذیقه، مقداد بن اسود، سلمان فارسی و معقل بن مقرن اتفاق کردند بر آنکه به روز روزه نگشایند و به شب نسایند و بر بستر نخوابند و

گوشت نخورند و چربی نخورند و گرد زنان نگردند و طیب به بوی بازنگیرند و پلاس پوشند و دنیا به کلی ترک گویند و در زمین سیاحت نکنند و طریقه رهبانان گیرند و خویشان خصی کنند. اگر این خبر درست باشد در حق این مذکوران ممکن است؛ مگر در حق امیرالمؤمنین (ع) که به اولایق نیست و زهد و عبادت او به این چیزها بیش از این بود» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۳۰۹).

همچنین در تفسیر آیه (بقره: ۲۷۴) شأن نزولی را صحیح می‌داند که مثل آیات انفاق در شب و روز اشاره‌ای به مدح امام علی (ع) است. وی می‌نویسد: «آیه به علی لایق‌تر است برای آنکه آن مقاسات و مکابده که در راه خدای او کرد کس نکرد» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۹۲). ایشان در تفسیر آیات از امامت علی (ع) به نحو صریحی دفاع کرده است (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۲۳۶-۲۴۲).

۴-۶. توجه به ضعف خبر واحد

در مورد حجیت و اعتبار خبر واحد، در میان علمای شیعه اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی ادعای حجیت خبر واحد دارند (خویی، ۱۳۹۴: ۳۹۸) اما برخی دیگر مانند: علامه طباطبائی در ذیل آیه ۴۴ نحل می‌نویسد: «حجیت بیان پیامبر (ص) فقط در مورد بیان شفاهی است؛ اما اخباری که کلام آنها را حکایت می‌کند اگر متواتر یا محفوف به قرینه قطعی یا اگر مانند آن باشد، حجت است ولی اگر متواتر یا محفوف به قرینه قطعی نبوده، گرچه موافق کتاب الله باشد حجیت ندارد؛ چون خبر واحد ظنی مخالف کتاب، بیان نیست. خبر واحد ظنی موافق کتاب هم احراز بیان بودن برایش نمی‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۳۶۲).

شیخ ابوالفتوح از جمله کسانی است که خبر واحد را حجت نمی‌داند و با استناد به آیه (حجرات: ۶)، در نقد خبر واحد نوشته است: «در آیت دلیل است برای آنکه خبر واحد ایجاب علم و عمل نکند، خبری است که ایمن نبود در این قضیه میان خبر فاسق و خبر عدل» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۱۰: ۲۴۷).

ایشان در تفسیر آیه (نساء: ۱۷۶)، اقوال مختلف قولی که منسوب به رسول (ص) است را خبر واحد می‌داند و با دیده تردید بدان می‌نگرد و می‌نویسد: «این خبر نزدیک ما واحد

کاربست روایات سبب نزول در تفسیر روض الجنان و روح الجنان؛ محمص و خدامردی | ۲۱۵

است و... در کتب فقه مشروح است به اخبار آحاد ظاهر قرآن دست نبردارند» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۴: ۸۱)؛ به عبارت دیگر؛ به نقل از علامه شعرانی، چنانچه در الفاظ قرآن، اخبار آحاد حجت نیست و قرائت به آن ثابت نمی‌شود، در معنای قرآن هم اخبار آحاد حجت نیست (ر.ک: کاشانی، ۱۳۴۶، ج ۱: ۳۱).

جدول ۱. میزان نقد روایات در تفسیر ابوالفتوح رازی

ملاک نقد	ترجیح عمومیت آیه	همخوانی با ظاهر آیات	همخوانی با قرینه‌های لفظی	همخوانی با قرینه‌های عقلی	توجه به اجماع علماء	همسویی با مبانی فکری شیعی	توجه به ضعف خبر واحد	جمع
تعداد	۲۲	۸	۷	۹	۴	۱۹	۲	۷۱
درصد	%۳۰/۹۸	%۱۱/۲۶	%۹/۸۵	%۱۲/۶۷	%۵/۶۳	%۲۶/۷۶	%۲/۸۱	%۱۰۰

نتیجه‌گیری

در میان صاحب نظران و مفسران حوزه تفسیر، طیفی از دیدگاه‌ها درباره نیازمندی فهم و معانی مضامین آیات قرآن کریم به دانش اسباب‌النزول وجود دارد، در این بین ارزیابی یکی از کتب تفسیری متقدم به نام «روض الجنان و روح الجنان» ابوالفتوح رازی به‌عنوان یکی از ملزومات اساسی برای آگاهی از مراد آیات مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است و بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در ۴۴۴ مورد آیات قرآن کریم، حدود ۶۴۸ مورد به سبب نزول اخص از شان نزول آیات پرداخته است که از این تعداد حدود ۲۶۲ مورد آن به روایات سبب نزول و ۳۷۵ مورد آن به روایاتشان نزول که در حق و یا شأن فرد یا افرادی اشاره دارد و نیز حدود ۱۱ مورد سبب نزول و شان نزول با یکدیگر می‌پردازد. طبق کارکردهای روایات سبب‌نزول در تفسیر شیخ همین طور شواهد و دلایل نقد نسبت به روایات سبب نزول و شان نزول در حدود ۹۵ مورد به کارکردهای روایات سبب نزول در معارف قرآنی اشاره می‌کند و حدود ۷۱ مورد منتقد روایات سبب نزول است که نشان از زاویه نگاه او به روایات سبب نزول از لحاظ محتوایی است. ابوالفتوح رازی در مابقی روایات که حدود ۶۰۷ مورد است، بدون هیچ تبیین و نقدی، صرفاً برای فهم بهتر آیات از

روایات سبب نزول بهره برده است. شایان ذکر است که این پژوهش ذیل روایات سبب نزول ارزیابی شده است و اگر به طور کامل و جامع مطلق روایات تفسیری را ارزیابی کند به نظرمی رسد؛ فارغ از کارکردهای روایات به ملاک‌های نقد بیشتری نیز بر خواهیم خورد؛ بنابراین این پژوهش به بررسی روایات سبب نزول مستقل از مطلق روایات، اکتفا کرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Marziyeh Mohases

Reyhaneh Khodamardi



<https://orcid.org/0000-0002-2332-410X>



<https://orcid.org/0000-0003-4120-0968>

منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، چاپ سوم.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۹۸۴). *تفسیر التحریر*، بیروت، موسسه تاریخ العربی.
- ابوزید، نصر حامد. (۱۳۸۰). (الف) *مفهوم النص*، بیروت، المرکز الثقافی العربی، چاپ دوم.
- (ب) *نقد گفتمان دینی*، تهران، یادآوران. (۱۳۸۳).
- آرکون، محمد. (۱۹۸۷). *الفکر الاسلامی*، بیروت، مرکز العنماء القومی.
- الجمال، بسام. (۲۰۰۵). *اسباب النزول علم من علوم القرآن*، المرکز الثقافی العربی، لبنان، بیروت، چاپ اول.
- بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۱). *مکاتب تفسیری*، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). *تسنیم*، قم، اسراء.
- حنفی، حسن. (۱۹۹۰). *الاسلام و الحدائث*، لندن، بی جا.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، المطبعة العلمیه.
- رازی، ابوالفتوح. (۱۳۵۲). *روض الجنان و روح الجنان*، به تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- فخر رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن احمد. (۱۴۱۲). *المفردات فی الغریب القرآن*، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
- رجبی، محمود. (۱۳۸۵). *روش شناسی تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رشیدرضا. (بی تا). *تفسیر القرآن الکریم مشهور به المنار*، بیروت، دارالمعرفه.
- الف) رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). *منطق تفسیر قرآن (۱)*، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- ب) رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۱). *قرآن شناسی*، قم، نسیم حیات.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱). *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق، زمزلی، فواز احمد، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربیه.
- شحرور، محمد. (۱۹۹۰). *کتاب و القرآن*، دمشق، فی جمیع انحاء العالم.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۴). *قرآن در اسلام*، مصحح رضا ستوده، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۹). *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصرخسرو.

علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱). *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، قم، اسوه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). *العین*، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم.

قرشی بنابی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.

کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۴۶). *تفسیر منهج الصادقین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

مامقانی، عبدالله. (۱۴۱۱). *مقیاس الهدایه فی علم الدرایه*، تحقیق محمدرضا مامقانی، قم، موسسه آل

بیت لاحیاء التراث.

محمودی پور، امین. (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی اسباب النزول در تفسیر ابوالفتوح رازی و طبری*، پایان

نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول الدین.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم. (۱۳۸۲). *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب قم،

چاپ سوم.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۲). *تاریخ قرآن*، انتشارات سمت، چاپ پنجم.

..... (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*، قم، انتشارات التمهید.

واحدی، علی بن احمد. (۱۴۲۱). *اسباب النزول*، تهران، نشر نی.

References

Holy Quran

Abu Zayd, Nasr Hamed. (2001). (A) *The meaning of the text*, Beirut, al-Maqruz al-Thaqafi al-Arabi, second edition. [In Arabic]

..... (2004). (b) *Criticism of religious discourse*, Tehran, Yadavaran. [In Persian]

Arkon, Muhammad. (1987). *Al-Fikr al-Islami*, Beirut, Al-Anmaa al-Qoumi Center. [In Arabic]

Alavi Mehr, Hossein. (2002). *Interpretive methods and trends*, Qom, Osveh. [In Persian]

Al-Jamal, Bassam. (2005). *Asb al-Nuzul Alam Man Ulum al-Qur'an*, al-Maqruz al-Thaqafi al-Arabi, Lebanon, Beirut, first edition. [In Arabic]

Babaei, Ali Akbar. (2002). *Tafasiri Schools*, Tehran, Humanities Research and Development Center. [In Persian]

Center for Culture and Education of the Holy Quran. (2003). *Encyclopaedia of the Holy Quran*, Qom, Qom Book Park, third edition. [In Persian]

- Fakhrrazi, Fakhr al-Din. (1999). *Mafatih al-Ghaib*, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi, third edition. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1989). *Al-Ain*, Qom, Hijrat Publications, second edition. [In Persian]
- Hanafi, Hassan. (1990). *Islam and Al-Hadasah*, London, N.P. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram. (1993). *Lasan al-Arab*, Beirut, Dar Sader, third edition. [In Arabic]
- Ibn Ashour, Mohammad Tahir. (1984). *Tafsir al-Tahrir*, Beirut, Institute of Arabic History. [In Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah. (2006). *Tasnim*, Qom, Esra. [In Persian]
- Khoei, Seyyed Abulqasem. (2014). *Al-Bayan fi Tafsir Al-Qur'an*, Qom, Al-Matba'a Al-Elamiya. [In Persian]
- Kashani, Molla Fathollah. (1967). *Tafsir Manhaj al-Sadeghin*, Tehran, Islamic bookstore. [In Persian]
- Mamqani, Abdullah. (1990). *Muqbas al-Hudayeh fi ilm al-Dara'yeh*, research by Mohammad Reza Mamqani, Qom, Al-Bayt Al-Haya Al-Tarath Institute. [In Arabic]
- Mahmoudipour, Amin. (2013). *Comparative study of Sahab al-Nuzul in the commentary of Abul Fattuh Razi and Tabari*, Master's thesis, Usul al-Din Faculty. [In Persian]
- Marefat, Mohammad Hadi. (2003). *History of the Qur'an*, Samt Publications, fifth edition. [In Persian]
- (2000). *Tafsir and Mofaseran*, Qom, Al-Tamhid Publications. [In Persian]
- Qureshi Banabi, Seyyed Ali Akbar. (1992). *Qur'an Dictionary*, Darul Kitab al-Islamiya, 6th edition. [In Arabic]
- Razi, Abul Fattouh. (1973). *Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan*, edited by Mirza Abolhasan She'rani, Tehran, Islamia bookstore. [In Arabic]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Ahmad. (1991). *al-Mufardat fi al-Gharib al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Alam al-Dar al-Shamiya. [In Arabic]
- Rajabi, Mahmoud. (2006). *Methodology of Qur'an Interpretation*, Qom, Howza Research Institute and University. [In Persian]
- Rashidreza. (N.D.). *Tafsir Al-Qur'an-Al-Karim known as Al-Manar*, Beirut, Dar al-Marefa. [In Arabic]
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali. (2008). *Logic of Qur'an Interpretation* (1). Qom, Jamia Al-Mustafa Al-Alamiya. [In Persian]
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali. (2013). *Qur'anology*, Qom, Nasim Hayat. [In Persian]
- Shahrour, Muhammad. (1990). *The Book and the Qur'an*, Damascus, Fi Jami Anha Al-Alam. [In Persian]
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr. (2000). *Al-Itqan Qi Uloom al-Qur'an*, Mohaghegh, Zamrali, Favaz Ahmad, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabiya

Publications. [In Arabic]

Tabatabai, Mohammad Hossein. (2014). *Qur'an in Islam*, edited by Reza Sotoudeh, Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Persian]

Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (2000). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya, third edition. [In Persian]

Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Majma al-Bayan fi al-Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosro Publications. [In Arabic]

Vahedi, Ali bin Ahmad. (2000). *Asbab al-Nuzul*, Tehran, Ney Publication. [In Persian]

استناد به این مقاله: محمص، مرضیه، خدامردی، ریحانه. (۱۴۰۲). کاربرد روایات سبب نزول در تفسیر
روض الجنان و روح الجنان، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۴(۴۶)، ۱۹۷-۲۲۰.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.73976.1938



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.